

بسم الله الرحمن الرحيم

## شیخ صفی‌الدین اردبیلی

سرزمین ایران از دیرباز زمینه و موقعیت مناسبی برای رشد کمی و پرورش فکری و روحی شیعیان در سه گروه عمده زیدیه و اسماعیلیه و اثناعشریه (دوازده امامی‌ها) فراهم کرده است. از آن میان، تشیع اثناعشری به سبب سازمان‌یافتگی فکری و کلامی و علمی و فقهی و در گُل، فرهنگی، غنی‌ترین محصولات فکری را تولید کرده است. تشیع اثناعشری که به یمنِ قُدم مبارک حضرت امام رضا (ع) در سرزمین ایران دارای سازمانی کاملاً نظام‌یافته بود، در ایران، به‌ویژه در بخش‌های مرکزی، با همه ساختارهایش مقبول اهل اندیشه قرار گرفت و با عرفان عمیق ایرانی حمایت شد و به علت شرایط تاریخی و اجتماعی ایران رشد و بالندگی مناسبی یافت و به پایگاهی دفاعی برای مردم بی‌دفاع ایران در برابر خلفای جائر عباسی و دست‌نشاندهانش، ظلم مغولان و دیگر اربابان ظلم و جور تبدیل شد. بدین‌سان، اسلام‌باوری ایرانیان در پیوند با کانون‌های

گوناگون ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی بالنده شد و در اعتقاد ایرانیان به امامت بحقّ دوازده امام معصوم (علیهم السلام) و در هماهنگی اجتماعی با دیگر مذاهب در جایگاهی فرامذهبی قرار گرفت.

این جایگاه قدرتمند فرامذهبی گاه در بُعد سیاسی - نظامی و گاه در عرفان و اشراق و عشق به توحید نمود یافت. شیعیان متعهد و مؤمن این دیدگاه‌های غنی را از طریق آسیای مرکزی به چین و از مناطق مرزی شرق ایران فرهنگی؛ یعنی پامیر و سند، به هند و مناطق آسیای جنوب شرق و از سوی آذربایجان و اران به آن سوی جبال قفقاز و از مسیر آسیای صغیر تا بالکان و سواحل شرقی آدریاتیک انتقال دادند. در همه این سرزمین‌ها، اندیشه‌های دینی ظلم‌ستیزانه شیعی در بستر «زبان شاعرانه و عرفانی فارسی» که به سبب ویژگی‌های ذاتی زبان شناختی و رشد در محیط فرهنگی زایا، زبانی پویا شده بود که مناسب برای نگارش کتاب‌های علمی و عقیدتی و ذوقی بود و عرصه‌ای فراخ برای ظهور خلاقیت‌های ادبی و هنری مستقل و غیرحکومتی فراهم آورده بود گسترش یافت و محاورات علمی و فقهی در زمزمه‌های عشق و محبت به اهل بیت معصوم پیامبر (ص) تحقق پیدا کرد.<sup>۱</sup>

مذهب تشیع اثناعشری که برخوردار از مفاهیم بسیار متعالی است با کمک گرفتن از عرفان عمیق اسلامی- ایرانی و فتوت و با ابزار تربیت لشکری مؤمن و شجاع، در جهت احیای هویت ایرانی و احیای فتوت و عیاری عصر صفاریان، تلاش بی‌نظیر و شایان توجهی کرده است. از جمله این لشکریان مؤمن و جان بر کف شیعه که خاطره تاریخی ایشان از اذهان شیعیان عالم و مریدان ائمه معصوم (علیهم السلام) به‌ویژه ایرانیان هیچ‌گاه محو نخواهد شد و در همیشه تاریخ جاودانه خواهند ماند، سربازان قزلباش عهد صفوی بودند که در حقیقت، فتیان مخصوص صفوی محسوب می‌شدند. قزلباشان مرکب از هفت ایل ترکمان قزلباش (افشار، قاجار، تکلّو، روملو، شاملو، ذوالقدر و استاجلو) می‌شدند. شجاعت و جسارت خاصی در میادین نبرد نشان می‌دادند. از مشخصات اختصاصی آن‌ها داشتن کلاه‌ی 12 ترک و سرخ‌رنگ بود. در قسمتی که کلاه سر را می‌پوشاند، گشاده، و نوک آن تنگ و بلند بود و

به نشانه اعتقاد به 12 امام معصوم (ع) و به پیروی از مذهب حقه اثناعشریه به صورت نمادین 12 خط راه‌راه روی کلاه دیده می‌شد و عمده‌ای غالباً سفیدرنگ دور آن پیچیده می‌شد. شجاعت و جسارت ایشان در میادین جنگ به دلیل اعتقاد قلبی

ایشان به تشیع موجب برتری معنوی آنها بر سپاهیان معاند عثمانی و ازبک شد؛ به صورتی که در نبردها، تعداد قزلباش‌ها نسبت به سربازان عثمانی 1 به 5 و حداکثر 1 به 3 بود و با این همه قزلباشان از نبرد هراسی به دل راه نمی‌دادند و هم‌اورد می‌طلبیدند ولو به قیمت جانشان تمام شود. در نبرد چالدران، تعداد قزلباش‌ها حدود 30 هزار نفر و تعداد سربازان عثمانی و پنی‌چری‌ها<sup>۲</sup> 130 هزار نفر بود و اگر یک اشتباه در تعیین فرماندهی نیروهای ایرانی نبود، حتماً ایرانیان شکست نمی‌خوردند. آن فرمانده نامناسب دورمیش خان<sup>۳</sup> برادر زن شاه اسماعیل بود و او در محل چالدران که منطقه‌ای با ویژگی‌های ژئوپلتیک خاص بود، شکست خورد.

در عهد سه پادشاه اول صفویه، شاه اسماعیل (907-930ق) و شاه طهماسب (930-983ق) و شاه عباس (996-1038ق) یعنی حدود 131 سال دوران بسیار ارزشمند و مقتدر، ایرانیان در هیچ جنگ بزرگی شکست نخوردند به غیر از چالدران و نبرد با پرتغالی‌ها در بندر گمبرون و جزیرهٔ هرمز که بعداً هر دوی آنها جبران شدند.

پس از ورود اسلام به ایران، دین مبین اسلام مورد استقبال گسترده و عمیق ایرانیان قرار گرفت و در میان مردم هیچ

اختلافی در محبت اهل بیت (علیهم السلام) چه سنی و چه شیعه نبود ولذا زمینه آنها زمینه اهل بیتی بود.

علت جنگ‌های عثمانی و ایران، توسعه‌طلبی عثمانی‌ها و قدرت‌طلبی آنان بود و الا حکومت گورکانیان هندوستان سنی بودند و محمد بابر اولین پادشاه هند با کمک شاه اسماعیل صفوی پادشاه هند شد و همایون اولین پادشاه گورکانی هند بعد از حمله شیرشاه سوری شکست خورد و به دربار شاه طهماسب صفوی پناهنده گردید و پس از مدتی شاه طهماسب وی را با 12 هزار نیروی ایرانی به هندوستان بازگردانید و حکومت گورکانیان را به آنها بازگرداند. از طرفی پادشاه عثمانی علی‌رغم اینکه ممالیک مصر سنی‌مذهب بودند به آنان حمله کرد فلذا مطالبی که راجع به جنگ شیعه و سنی می‌گویند، درست نیست.

نیای خاندان صفویه، بزرگ مردی در تاریخ ایران و تشیع به نام شیخ صفی‌الدین ابوالفتح اسحاق اردبیلی نوه فیروز شاه و از سادات موسوی بود. نسب صفی‌الدین با 19 واسطه به حضرت امام موسی کاظم (ع)، امام هفتم شیعیان امامیه می‌رسد. وی موثرترین روحانی در تاریخ تشیع در شکل دادن به هویت ملی و مذهبی ایرانیان بود و بسیار تلاش کرد تا ایران را احیاء

کند و در این راه سعی بسیار کرد و تلاشی انصافاً خستگی‌ناپذیر و تحسین‌برانگیز داشت. او از عنفوان جوانی به عنوان یک شخصیت شیعه اثناعشری و یک ایرانی معتقد به هویت اصیل ایرانی مطرح بود. فردی فقیه و عارف و عالم و مجاهد بود که سلسله صفویه را تشکیل داد.

در این سلسله بود که، نخستین بار در تاریخ، حکم پادشاهی یک پادشاه یعنی شاه طهماسب از سوی عالم بزرگ شیعه علی بن عبدل‌العال کرکی معروف به محقق ثانی صادر و تنفیذ شد که این اولین نمود حاکمیت ولایت فقیه بود. کرکی استاد شیخ بهایی و میرداماد و میرفندرسکی، و یکی از بزرگ‌ترین محققین و علمای مهاجر در تاریخ شیعه بود که هم‌چون محقق حلّی نقش اساسی در ترویج تشیع و تثبیت پایه‌های علمی شیعه داشت.<sup>۴</sup>

شیخ صفی‌الدین اردبیلی بر اساس قرائن موجود تاریخی بسیار جستجو کرد تا حقایق از تاریخ پیچیده و طولانی پر از رنج ایرانیان را کشف کند و به اقصی نقاط ایران سفر کرد. حتی بر اساس بعضی روایات با شیخ اجل مصلح‌الدین سعدی که در خانقاه خود بیرون از شهر شیراز از میهمانان و جستجوگران سیر و سلوک پذیرایی می‌کرد، مدتی هم‌صحبتی داشت ولی برخی از

آنچه را که دنبالش بود در آنجا نیافت که شاید مهمترین آنها احیاء ملیت ایرانی بود که نشان‌دهنده یأس برخی بزرگان ما در از تحقق چنین آرمانی بود و لذا سعدی هیچ اشاره‌ای به این موضوع ندارد. با وجود اینکه بدون تردید سعدی دارای شخصیتی بزرگ و جامع بود، اما مایوس از یکپارچگی سیاسی بود و لذا با جدیت تمام به ادامه یکپارچگی فرهنگی ایران پرداخت.

درحالی‌که سعدی در شیراز تحت امنیت اتابکان فارس زندگی می‌کرد ولی با خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان که وزیر ایلخانان (اباقا خان) بود ارتباط بسیار محکم فرهنگی داشت و حتی خواجه شمس‌الدین برای وی شهریه می‌فرستاد و لذا در این اشعاری که ذیلاً از سعدی بزرگ نقل می‌شود ملاحظه می‌کنید که اقلیم فارس را کشور تلقی می‌کرد و در قصیده‌ای که از افصح‌المتکلمین تاریخ ادبیات ایران سعدی شیرازی بر جای مانده (قصیده شماره 58) می‌گوید:

«وجودم به تنگ آمد از جورِ تنگی / شدم در سفر روزگاری درنگی  
جهان زیر پی، چون سکندر بُردم / چو یاجوج بگذشتم از سدّ سنگی  
برون جستم از تنگِ تُرکان چو دیدم / جهان در هم افتاده چون موی زنگی  
چو بازآمدم کشور آسوده دیدم / زِ گرگان به در رفته آن تیز چنگی  
خطِ ماهرویان چو مُشکِ تَتاری / سرِ زلفِ خوبان چو درِ عِ فرَنگی  
به نام‌ایزد، آباد و پرناز و نعمت / پلنگان رها کرده خوی پلنگی

بپرسیدم این کشور آسوده کی شد / کسی گفت: سعدی، چه شوریده رنگی  
چنان بود در عهد اول که دیدی / جهانی پر آشوب و تشویش و تنگی  
چنین شد در ایام سلطان عادل / اتابک ابوبکر بن سعد زنگی».

این در حالی بود که ایران در زیر سُم ستوران مغول رنج‌ها  
دیده بود و شهرهای فراوانی ویرانه شده بودند و فقط فارس بود  
که به سبب سازشکاری اتابکان با مغولان مصون مانده بود.  
در جای دیگر (غزل 371) به تصریح، نفی میهن پرستی می‌کند و  
می‌فرماید:

«دلم از صحبت شیراز به کلی بگرفت

وقت آن است که پُرسی خبر از بغدادم

سعدیا حبّ وطن گرچه حدیثی است درست

نتوان مُرد به سختی که من این جا زادم».

در نتیجه، سعدی علی رغم اشاره به صحت حدیث معروف حب  
الوطن من الایمان، ناچاری خویش از جلای وطن را تصریح می  
کند بدین معنی که بزرگان ما تا می توانستند این زنجیره توالی  
تمدن اسلامی و ایرانی را حفظ می کردند.

لذا شیخ صفی‌الدین به جستجوی یک پیر مراد مسلمان شیعه  
ایرانی ادامه داد تا به شیخ زاهد گیلانی رسید و وی را مطلوب  
خود یافت و در سیر و سلوک متابعت از او نمود و داماد وی شد.



شیخ صفی 25 سال، از 675 ق تا 700 ق، در محضر شیخ زاهد تلمذ کرد و چون لیاقت خود را در طی مراتب دانش و تهذیب نشان داد، از سوی شیخ زاهد که مبتلا به نابینایی شده بود و در زمان حیات شیخ زاهد، به جانشینی او و ریاست طریقه زاهدیه، که بعدها به نام شیخ صفی طریقه صفویه خوانده شد، برگزیده شد.

شیخ صفی الدین اردبیلی، از همان جوانی همواره از عرفای منزّه و خوش نام بود. شیخ زاهد، به گفته مریدانش، پیش از آن که شیخ صفی الدین را دیده باشد درباره او گفته بود:

«ای مریدان، مژده باد شما را شیخ المعصومین و عارف به علوم اسرار حضرت ربّ العالمین، شیخ صفی الدین اسحق موسوی، شفقت کرده، به جانب من می آید. به خدا این جوان مَحْرَمِ بارگاه حق و برگزیده حضرت خدای عالم است»<sup>۵</sup>.

از این سخنان معلوم می شود که شیخ صفی شیعیه و در میان مردم به زهد و تقوا و پرهیزگاری معروف بوده است. پس از درگذشت شیخ صفی الدین اردبیلی به سال 735 ق در اردبیل، پسرش، شیخ صدرالدین، تا زمان مرگ (794 ق) بر جای پدر بود. هر دو تن مراد و هادی عرفای منطقه وسیعی از اران و آذربایجان و گیلان و کردستان و ارزروم بودند. ملاقات وی با

امیر تیمور و رویدادهای تاریخی متعاقب آن اهمیت و اعتبار شیخ صدرالدین را به منزلهٔ مرشد عرفای شیعی‌مذهب ایران نشان می‌دهد.

پس از او، پسرش، شیخ ابراهیم (-851 ق)، دنباله‌رو راه پدر شد. او که نخستین مرشد طریقت صفویه نام گرفته بسیاری از تهی‌دستان روستاها و عشیره‌های شیعی‌مذهب را به خود جلب کرد. همین گروه، پس از درگذشت مرشد والامقام خود، بدون ترس و محابا گرد فرزندش، شیخ جنید، درآمدند و با برملاکردن دیدگاه‌های سیاسی شیعی خود بر بسیج نیروهای مردمی خود سرعت بخشیدند. شیخ حیدر در ادامهٔ روند حرکت‌های دینی و سیاسی اجدادش سازمان نظامی متشکل و جانبازی مبتنی بر عقیده با نام قزلباشان پدید آورد.

ایران در آستانهٔ تشکیل سلسه صفویه از 15 کشور تشکیل شده بود که هیچ نسبتی با هم نداشتند و با هم در حال نزاع بودند و برای مشروعیت خویش از خلفای به ظاهر مسلمان ولی در باطن جاهلی برگه مشروعیت می‌گرفتند. در نتیجه عملاً هویت ملی معنی نداشت و مردم ایران و به‌خصوص فرهیختگان از اینکه دوباره ایران متحد شود ناامید شده بودند. بطوریکه سعدی بزرگ نیز (همانطور که پیشتر گفته شد) در اظهاراتش

کشور خود را منطقه فارس می‌دید و به لحاظ سیاسی هیچ ارتباط قوی‌می بین مناطق مختلف ایران وجود نداشت.

اما حدود نه قرن پس از ورود اسلام، در زمان صفویه، ایران باز ایران شد. حدود جغرافیایی آن پس از 900 سال دوباره تعریف و مشخص گردید و هویت ایرانی بازتعریف شد. اسلام اهل بیتی با رنگ و بوی متعالی عرفانی، مذهب رسمی کشور شد. البته مردمان ایران از قدیم الایام، چه سنی و چه شیعه ارادت به حضرات اهل بیت (علیهم السلام) داشتند و به هیچ وجه در تاریخ اسلام در ایران، عداوت با اهل بیت به چشم نمی خورد. نخستین بار شاه اسماعیل صفوی به نام پادشاه «ایران» سکه زد. در مدت 131 سال یعنی از 907 تا 1038 ق، ایران در حکم یکی از چند قدرت درجه اول جهان آن روز در چارچوب مرزهای مشخص در آن مقطع تاریخی درخشید.

صفویان با هوشمندی همه اقوام ساکن ایران آن روز را در کمال واقع بینی و صرف نظر از قدمت توطن و سلسله نسب نژادی، به درستی «ایرانی» خواندند. این همان چیزی است که امروز هم ما باید در پیش نظر داشته باشیم و همه اقوام ساکن در ایران را بحق و به درستی، ایرانی بنامیم. کمتر کشوری در جهان، این وحدت سرزمینی و انسجام ملی ریشه داری را

برخوردار است. در کنار وحدت سرزمینی، صفویان برای وحدت دینی و یکپارچگی مذهبی سعی بلیغ کردند. زیارت عتبات و روضه‌خوانی و احیای مراسم تعزیه‌داری حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را از یک طرف و زنده‌کردن یاد پهلوانان ایرانی و شاهنامه‌خوانی را از سوی دیگر ترویج کردند. هنر ایرانی اسلامی را در حوزه‌های نگارگری و خط و معماری به کمال رسانیدند. عاشورا و نوروز، در کنار یکدیگر، عزای ملی و جشن ملی شناخته شدند.

این کیمیاگری عهد صفوی برای بازسازی ایران یک‌پارچه و احیای هویت ایرانی در این بازتعریف بسیار سازنده و ماندگار را نمی‌توان صرفاً نتیجه تلاش حکومت صفوی دانست، بلکه نقش علمای شیعه و اعتقاد راسخ مردم به ائمه اطهار (ع) در این بازسازی تاریخی و همراه کردن مردم با سیاست و راهبرد صفوی تعیین‌کننده و حیاتی بود.

در توالی پادشاهان مقتدر و با فهم و درک درست از حکومت‌داری باید از سه پادشاه به نام‌های شاه اسماعیل صفوی و شاه طهماسب و شاه عباس بزرگ که دُرَّة‌التاج پادشاهان بعد از اسلام و ایران بودند، نام برد. صرف‌نظر از بعضی اشکالات، بدون تردید شاه عباس برجسته‌ترین و با لیاقت‌ترین بعد از اسلام بود و

قبل از اسلام نیز کمیاب هستند کسانی که با این پادشاه دانا، مقتدر و آبادگر به معنای واقعی کلمه و دلسوز برای کشور قابل مقایسه باشند.

ادامهٔ حیات سیاسی ایران با سلسلهٔ صفویه تضمین شد و عملاً این کشور قدیمی که طولانی‌ترین تاریخ تمدن را در جهان با بیش از 10 هزار سال (برای نمونه در تپهٔ سنگ چخماق شاهرود، تمدن سیلک کاشان، شهر سوخته سیستان، گنارصندل جیرفت و غیره) دارد ماندگار ماند در حالی که رقبای ایران مانند یونان و رم و مصر قدیم و هند و چین هیچ‌کدام طول، انسجام و پیوستگی فرهنگی ایران را نداشته و ندارند.

توانمندی صفویه در ارتقای صنعت و کشاورزی و قدرت نظامی در دنیا کم نظیر بود به عنوان مثال در زمان شاه عباس با استفاده از اساتید چینی، ایران به کار چینی‌سازی پیشرفته پرداخت و به عنوان دومین کشور سازنده چینی بعد از چین مطرح شد. پیش از آن، سفال‌ها و کاشی‌های عهد سلجوقیان و ایلخانان در منتهای هنر و دقت ساخته می‌شده‌اند، اما این صفویان بودند که آن را به کمال نهایی خود رساندند.

سفالگران و چینی‌سازان دوران صفوی به تقلید کورکورانه از الگوها و سبک‌های نیاکان خویش پرداختند، بلکه انواع جدیدی

از ظروف سفالین و چینی را ابداع کردند که ممتازترین آنها ظروفی بودند که به‌ویژه رنگ زیبایی دارند و طرح‌های بسیار ظریف و ساده آنها داخل زمینه‌ای به رنگ شیری قرار دارد.

اصیل‌ترین نقوش تزئینی اسلیمی از نوع ترنج‌های ستاره‌مانند با دقت و ظرافتی قابل‌توجه در آنها کشیده شده‌اند. ملایمت رنگ‌مایه‌ها، سادگی رنگ و طرح و لعاب ساده این دسته ظروف شکوه فراوانی به آنها می‌دهد.

شاه عباس، که در اقتصاد نبوغ چشمگیری داشت، برای این‌که درآمد ایران را از صنایع دستی افزایش دهد تلاش کرد چینی‌هایی مشابه چینی‌های کشور چین در خاک ایران تولید کند. چینی‌های تولیدی کشور چین قرن‌ها بود که جای خود را در بازار اروپا باز کرده بودند و ایران با تولید چینی‌های مشابه چینی‌های تولید کشور چین می‌توانست بدون صرف هزینه‌ی بازاریابی و تبلیغات از بازار پرسود آن بهره‌برد. افزون بر این، اگر ایران چینی‌های مشابهی تولید می‌کرد، اروپایی‌ها هم دلیلی نمی‌دیدند که همه‌ی چینی مورد نیاز خود را از چین بخرند؛ زیرا می‌توانستند آن را از هزاران کیلومتر نزدیک‌تر تهیه کنند.

برای نیل به این مقصود، شاه عباس 300 چینی‌ساز اهل کشور چین را همراه خانواده‌هایشان به ایران آورد. بیش‌تر آنها

در اصفهان سکنی داده شدند. برخی روش‌های خاص چینی‌ها برای همیشه چون رازی در دل آن‌ها باقی ماند، اما طبق معمول ایرانیان به‌زودی نه‌تنها بیش‌تر شیوه‌های کاری این گروه را آموختند، بلکه بر آن افزودند و صورت‌های جدید و بدیعی از چینی ابداع کردند.<sup>۶</sup>

نمونه دیگر اینکه تعدادی از اساتید ساعت ساز از سوئیس وارد ایران شدند و ایران از ساعت سازان مطرح دنیا شد.

شاه عباس آغازگر تحول عمده در نساجی ایران عهد صفوی بود که با دیدگاه‌های خاصش دربارهٔ صادرات صنایع دستی ایران موجب ترقی صنعت نساجی ایران شد. کروسینسکی در گزارشی به نام «در باب پوشاک و البسهٔ سلطنتی ایران» نوشته است:

«دوران‌دیشی شاه عباس کبیر به تأسیس کارگاه‌های متعدد و چندکاره در خود پایتخت، اصفهان، و نیز در نواحی شیروان، قراباغ، گیلان، کاشان، مشهد و استرآباد انجامید که در آن‌ها منسوجات و عمامهٔ ابریشمی برای استفادهٔ خاندان سلطنت و هم‌چنین عموم به طریقی باشکوه و شگفت‌آور و تحت نظارت دقیق ناظران بافته می‌شود؛ در عین حال قالی و دیگر انواع مصنوعات بافتنی برای دربار سلطنتی بافته می‌شود. برای حفظ

ویژگی خاص هنری بافته‌های هر منطقه شاه عباس دستور داد که هر کارگاه باید با روش خودش ببافد»<sup>۷</sup>.

اوج معماری ایران در زمان شاه عباس بود که نمونه برجسته آن ساختن شهری جدید در کنار شهر قدیمی اصفهان بود و این شهر اختصاصات و ویژگی‌هایی دارد که تا آن زمان در جهان بی نظیر بوده و بعضی از ویژگیهای آن این است:

-به هیچ وجه به بافت تاریخی شهر اصفهان تعرضی نداشته است و بهترین نمونه شهرسازی تا آن زمان می باشد.

-اندازه‌های متناسب و کاملاً ژئومتریک و جدید الاصل، که اجزا این شهر عبارتند از

1-میدان اصلی که میدان نقش جهان است و اندازه‌های آن بصورت مستطیل و طول و عرض آن بصورت کاملاً متناسب است که نسبتی طلایی است.

2-ارتفاع میدان کاملاً متناسب با مساحت آن است .

بر اساس بعضی ارزیابی‌ها مجموعه مسجد شیخ لطف الله زیبا ترین مجموعه تاریخی دنیا می باشد.

چگونگی ورود به مسجد شیخ لطف الله و نسبت آن با قبله یک معجزه معماری است .



ورودی مسجد رو به مشرق است و راهرویی که این ورودی رو به محراب وصل می کند لابیرونتی است که با 135 درجه چرخش شما را مقابل قبله قرار می دهد بدون اینکه عابر این پیچ و خم را احساس کند.

و نکته بدیع دیگر این است که پنجره های نور دهی برای روشنایی مسجد طوری است که از طلوع تا غروب آفتاب مسجد روشن است و یکی از این پنجره های سقف طوری است که هر زمانی از سال تابش اشعه خورشید بر روی یک سنگ مشخص ظهر را نشان می دهد.

عالی قاپو در طبقه 6 آن فواره ای است که لوله کشی آن از کوه صفه بوده و بازار قیصریه که در درون این بازار مدرسه بزرگ صدر وجود داشت که کسبه برای آگاهی از مکاسب محرمه به آنجا می رفتند.

این مجموعه از طریق خیابان چهارباغ تا روزدخانه زاینده رود متصل است و روی دو پل که از استحکام فوق العاده ای برخوردار است بنا شده .

با کناره سازی رودخانه و تاسیس پل های مناسب منظره زاینده رود در شب های مهتابی از زیباترین مناظر است.

عمارت چهل ستون از عجایب تاریخ معماری است با دیوارهای بلند که توسط درختان چنار بسیار قطور مهار شده است و ظرافت و هنرمندی اصفهانی در این بنا این است که 20 ستون در انعکاس آب 40 ستون نمایش داده می شود.

گواه ما بر صحت این مدعا قضاوت یک جهان گرد ایتالیایی می باشد که در زمان شاه عباس دوم به اصفهان سفر کرده و جمله تاریخی گفت :

همشهریان ما در اروپا میدان ناوانا در رم را زیباترین میدان دنیا می دانند ولی اگر از من بپرسند می گویم نقش جهان است.

شاه عباس گرداگرد میدان نقش جهان اصفهان را با کارگاه‌های نساجی به صورت منظره‌ای جهت نمایش به گردشگران و مستشاران نظامی خارجی از صنعت روبه رشد ایران و توان اقتصادی این کشور درآورد.

او 500 عراده توپ و 60 هزار قبضه تفنگ ساخت که در معیارهای آن زمان، از بالاترین درجات تسلیحاتی کشورهای جهان محسوب می شد.

کار مهم دیگر که صفویان انجام دادند تثبیت و تقویت هویت اصیل و ریشه دار آذری به عنوان بخش مهمی از هویت جامع ایرانی بود و ما در دو مقاله به نام «من هم یک آذری هستم»

اثبات کردیم ایرانیان از زمان حضرت زردشت گرایش توحیدی داشتند و خود زردشت نیز به نظر اغلب مورخان معتبر قدیم از مردمان آذربایجان و یا متوطن در این محل بوده است. ایشان به نقل احادیث معتبر از حضرت رسول اکرم (ص) در پاسخ به مشرکین حجاز که سوال کرده بودند چرا از ما مثل مجوس جزیه نمی گیرید حضرت رسول (ص) طی نامه ای پاسخ دادند که مجوس اهل کتاب است پیغمبری داشتند که آنها را به توحید دعوت می کرد او را کشتند و کتابش را سوزاند. دلیلی دیگر اینکه حضرت امام جعفر صادق (ع) راجع به اعتبار دین زردشتی سوال کردند و آن حضرت عیناً به پاسخ مکتوب پیامبر اکرم (ص) به مشرکین اشاره فرمودند و تایید فرمودند که زردشتیان اهل کتاب اند، زیرا قبل از اسلام هم ایرانیان به حج می رفتند.

مردمان ایران را به توحید دعوت می کردند<sup>۸</sup>. بنابراین آذربایجان نقش اساسی در ترویج دین توحیدی ابراهیمی داشت.

صفویان با بهره گیری از ابزارهای تعلیمی و تبلیغی مردمی، تشیع را در میان مردم ایران تثبیت و تعمیق کردند. این ابزارها عبارت بودند از درس و کتابت؛ ساختن مساجد جدید و چشم گیر و باعظمت برای ترغیب مردم به حضور در این پایگاه های مهم مذهبی — سیاسی؛ برگزاری اجتماعات گوناگون

روضه‌خوانی، تعزیه‌خوانی، مولودی‌ها در حرم امامزاده‌ها، تکیه‌ها و دیگر زیارتگاه‌ها به مناسبت‌های مختلف مذهبی.

در این میان، کمال‌الدین حسین بن علی بیهقی سبزواری، معروف به ملا حسین کاشفی یا واعظ کاشفی (-910 ق)، با درایت ویژه خود و به‌مثابه شخصیتی مذهبی، خطیب، قاص، ادیب و مفسر در شهر هرات و در روزگار تیموری و درست در آستانه تشکیل سلسله صفویه در زمان سلطان حسین بایقرا به پردازش ماجرای کربلا پرداخت و کتاب مهم «روضه‌الشهدا فی مقاتل اهل البیت و فتوت‌نامه سلطانی» را پدید آورد. گویی این که زمینه کار رسمی شدن تشیع پیش از صفویه توسط این نوع ادیبان طرح‌ریزی شده است. این امر نشان از دو قرینه برای اثبات آمادگی مردم برای پذیرش رسمیت مذهب تشیع دارد: اول سوگواری شهدای کربلا و دیگری فتوت و جوانمردی که هر دو از پایه‌های نظری سلسله صفویه بودند. بلافاصله پس از روی کار آمدن صفویه، این آثار جای خود را در میان مردم باز کرد و به‌ویژه روضه‌خوانانی پیدا شدند که با بهره‌گیری از تجربه جمعی در قصه‌خوانی و دفترخوانی و شاهنامه‌خوانی و غیره برای مردم عوامی که از سواد بی‌بهره بودند می‌خواندند.

بدین ترتیب، با تدابیر بسیار موثر و عمیق سلسلهٔ صفویه یک انسجام ملی و مذهبی در میان ایرانیان با پیشتازی یک قوم قدیمی و مؤثر در شکل‌گیری هویت ایرانی یعنی آذری‌ها به‌وجود آمد که پیش از آن، بی‌سابقه بود و عملاً موجب یکپارچگی دائمی ایران شد. این امر عملاً موقعیت آذری‌ها را در درجهٔ اعتباری که استحقاق آن را داشتند تثبیت کرد. آذری‌ها در آن زمان دو وظیفه را برعهده داشتند: اول تثبیت موقعیت تشیع اثناعشری به عنوان مذهب رسمی و دیگری، برعهده گرفتن رکن مهم فتوت توسط آذری‌ها.

همهٔ این‌ها از برکات تدابیر بسیار ارزشمند و عمق نگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی (ره) در دوران پیش از تشکیل پادشاهی صفوی بود که به‌دست جانشینان وی به‌خوبی و درستی پیگیری شد و به ثمر رسید. عملکرد شیخ صفی‌الدین سه رکن داشت: تثبیت جایگاه دروس فقهی در حوزه‌های علمیة شیعه توسط علما، حمایت مردمی از علما، تثبیت نقش فتیان به عنوان واسطهٔ میان مردم و روحانیت.

ایران بزرگ و پرافتخارِ امروزِ ما که مملکتی متبرک به ارادت به اهل بیت (علیهم‌السلام) و مفتخر به انتظار حضرت ولی‌عصر (ارواحنا له الفداء) است و به یکپارچگی و وحدت کلمهٔ خود

می‌بالد مدیون اندیشه‌ها و همت والای شیخ صفی‌الدین اردبیلی  
و جانشینانش است که یادشان در تاریخ پرافتخار ایران همواره  
زنده خواهد ماند.

**دکتر علی اکبر ولایتی**

## منابع

- اسپناچی پاشازاده، محمد عارف، انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام، به کوشش رسول جعفریان، قم، دلیل، 1379.
- اوزون چارشی‌لی؛ و اسماعیل حقی، تاریخ عثمانی، ترجمه ایرج نوبخت، تهران، کیهان، 1368.
- براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران از ظهور قدرت صفوی تا عصر حاضر، ترجمه بهرام مقدادی، تهران، مروارید، 1369.
- بیانی، خان‌بابا، تاریخ نظامی ایران: دوره صفویه، ستاد ارتش، 1353.
- پارسادوست، منوچهر، شاه اسماعیل اول: پادشاهی با اثر دیرپای در ایران و ایرانی، تهران، شرکت سهامی انتشار، 1375.
- پطروشفسکی، ایلیا پولوویچ، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، 1350.
- تکمیل همایون، ناصر، «نقش تشیع در جنبش‌های سیاسی صوفیان قزلباش»، تاریخ اسلام، سال چهارم، ش مسلسل 13، بهار 1382، ص 159-194.
- ثواقب، جهانبخش، تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ، تهران، نوید شیراز، 1380.
- جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، 1389.
- حاجی بابایی، مجید؛ و ابراهیم اصلانی، «بازشناسی تعامل روحانیت و صفویان»، تاریخ ایران، ش 62، پاییز 1388، ص 27-46.
- رستمی، عادل، «مناسبات تشیع و تصوف در آناتولی و تأثیر آن بر همگرایی صفویان و ترکمانان این منطقه»، تاریخ در آینه پژوهش، س سوم، ش 4، زمستان 1385، ص 42-70.

- رفیق، احمد، «شیعیان و بکتاشیان»، معارف، دورهٔ دهم، ش 1، فروردین - تیر 1372، ص 62-116.
- سبکی، علی بن عبدالکافی، الفتاوی، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
- سومر، فاروق، نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعهٔ دولت صفوی، ترجمهٔ احسان اشراقی و محمد امامی، تهران، گستره، 1371.
- سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمهٔ کامبیز عزیزی، تهران، مرکز، چاپ چهارم، 1374.
- شیخ نوری، محمدمیر؛ و محمدعلی پرغو، «چگونگی رسمیت یافتن تشیع توسط صفویان و پیامدهای آن»، شیعه‌شناسی، ش 30، تابستان 1389.
- صفت گل، منصور، ساختار نهاد و اندیشهٔ دینی در ایران عصر صفوی، تهران، رسا، 1381.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین، ترجمهٔ حمیدرضا آژیر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، منهاج الکرامه فی معرفهٔ الامامه، تحقیق عبدالرحیم مبارک، مشهد، تاسوعا، 1379.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق و کشف الصدق، با مقدمهٔ سیدرضا صدر.
- فرای، ریچارد نلسون، تاریخ باستانی ایران، ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی، 1380، ص 55.
- کیسلینگ، هانس یواخیم، «بدرالدین بن قاضی سماونه»، دانشنامهٔ جهان اسلام، ج 2، 1375.
- گابریل، آلفونس، تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، ترجمهٔ فتحعلی خواجه‌نوری، تهران، ابن سینا، 1348.



- گولینپنارلی، عبدالباقی، مولانا جلال‌الدین، ترجمه توفیق سبحانی، تهران، مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، 1370.
- لاکهارت، لارنس، انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1344.
- منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های فارسی، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، 1348.
- منشی قمی، قاضی احمد، خلاصه التواریخ، به تصحیح حسین اشراقی، تهران، دانشگاه تهران، 1363.
- مورگان، دیوید، ایران در قرون وسطی، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، 1373.
- نوایی، عبدالحسین، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، تهران، هما، چاپ سوم، 1370.
- نویدی شیرازی، تکمله الاخبار، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، نی، 1369.
- همایون، غلامعلی، اسناد مصور اروپاییان از ایران قرون وسطی تا اواخر قرن هجدهم، تهران، دانشگاه تهران، 1348.
- Herbert, Sir Thomas, *Travels in Persia 1621-29*, London, 1928.
- Herbert, Sir Thomas, *Some years travels into divers of Asia and Afrique*, London, 1634.

- 1 . تکمیل همایون، ص 166-167.
- 2 . ینی چری‌ها در حقیقت اساس و هسته پیاده‌نظام سپاه عثمانی و اسرای اروپایی عثمانی‌ها بودند. این دسته از سپاه مقررات و مواجب و دوره خدمت خاص خود را داشتند. ینی چری‌ها، که سپاهی متمرکز و منسجم بودند، نقطه مقابل سپاهیان طایفه‌ای عثمانی به‌شمار می‌آمدند که همگی فرمان‌بردار رئیس خود بودند و در مواقع خاص و جنگی احضار می‌شدند (بیانی، تاریخ نظامی ایران، ص 199، 201).
- 3 . میرزابیگ جنابدی در روضه الصفویه دورمیش خان را با القابی این‌چنین خوانده است: «انیس‌الدوله دورمیش خان» (ص 303)؛ «الحضره البهیه دورمیش خان» (ص 306)؛ «انیس‌الحضره الخاقانیه دورمیش خان» (ص 309)؛ «انیس‌البهیه دورمیش خان» (ص 342).
- 4 . منشی قمی، خلاصه التواریخ، ج 1، ص 236-237.
- 5 . تاریخ عالم‌آرای صفوی، ص 11-14.
- 6 . سیوری، ص 139-140.
- 7 . سیوری، ص 137.
- 8 . اصیل‌ترین بخش اوستای موجود گاهان است که به اتفاق نظر کلیه دانشمندان حوزه دین‌شناسی سروده‌های اصیل و دست‌نخورده و تحریف‌نشده شخص زرتشت است. در این سرورده‌ها که ماهیتی دینی و عرفانی همچون شعر حافظ دارد و دارای بطن‌های متعدد و لایه عمیق فکری و ذهنی است زرتشت از خود با ضمیر اول شخص یاد می‌کند و صراحتاً خود را موحد می‌خواهند و هیچگونه شائبه شرک در سرورده‌های ایشان وجود ندارد. از خلال گاهان، سرورده‌های خود زردشت، بی‌گمان می‌دانیم که در آیین او، نخستین

---

وظیفه هر دین‌داری در زندگی مبارزه درونی با نیروهای شر است. مبارزه با نفس مظهر یکی از هزاران پیکاری است که مجموع آنها به موازات هم مبارزه عظیم و واحد جهانی را تشکیل می‌دهد. مبارزه میان نیکی و بدی از آغاز تا پایان جهان ادامه خواهد یافت و سرانجام به نبرد نهایی خیر و شر خواهد انجامید (معین، *مزدیسنا و ادب پارسی*، ص 258-264؛ فرای، ریچارد نلسون، *تاریخ باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی، 1380، ص 55).